

درباره

نافرمانی مدنی الکترونیک*

استیفن ری**

برگردان: شهره مدائنی

با عنوان «مقاومت در برابر دولت مدنی» به شکل یک مقاله وزیر تیتربا «نافرمانی مدنی» منتشر شد. مقاله هنری تورو محصول و چکیده تجارب شخصی او در سرپیچی از پرداخت مالیات سرانه به عنوان نمادی از مخالفت او با جنگ‌های دولت آمریکا علیه مکزیک بود. از آن زمان روش‌های گوناگون نافرمانی مدنی، چون تارهایی در بافت مبارزات اعتراضی آمریکا تنیده شده است و همواره شهروندان کوشیده‌اند به اتکاء روش‌هایی از پائین در جامعه مدنی مشارکت جویند.

حدود سی سال پیش، در سال ۱۹۶۸، نافرمانی مدنی که در این دوره بیش از همه محصول تجارب مبارزات سیاهان برای تساوی مدنی بود (Civil Rights Movement)، از سوی مخالفان یک جنگ امپریالیستی دیگر، یعنی جنگ آمریکا علیه ویتنام، وسیعاً به کار گرفته شد. همان‌طور که هووارد زین (Howard Zinn) مورخ سرشناس آمریکائی شرح می‌دهد: «در سال ۱۹۷۱ حدود بیست هزار نفر از مردم، برای شرکت در، یا به عبارتی، «برای دست زدن به» نافرمانی مدنی به شهر واشنگتن آمدند. آنها سعی کردند از طریق مسدود کردن جریان ترافیک شهری، تنفر خود را از ادامه کشتار در ویتنام ابراز کنند. چهارده هزار نفر از آنها بازداشت شدند و این بر شمارترین بازداشت جمعی در تاریخ آمریکا بود. (Zinn, ۱۹۹۵: ۴۷۷).

در طول سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تاکتیک‌های نافرمانی مدنی و اقدامات مستقیم از سوی شماری از جنبش‌های اجتماعی به کار گرفته شد. در اواسط دهه ۱۹۷۰ جنبش مخالف سلاح‌های هسته‌ای شروع کرد به استفاده از این روش‌ها در مقیاس‌های بسیار بزرگ که نمونه برجسته آن بازداشت شمار وسیعی از فعالان این جنبش در اطراف نیروگاه هسته‌ای سی بروک در نیوهمپ شایر بود (Seabrook - New Hampshire). آنها تا سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ میلادی نیز به استفاده از این تاکتیک‌ها ادامه دادند.

در سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی، بخش رادیکال جنبش محیط زیست که به وسیله گروه‌هایی مثل «اولین زمین!» (Earth First!) نمایندگی می‌شد، از روش‌های نافرمانی مدنی برای گسترش دامنه مبارزات خود به مناطق

من با تمام وجود پیرو این مرام هستم که: «حکومتی بهترین است که ابعاد حکومت‌گری آن کمترین باشد». و من واقعاً طرفدار آن هستم که یک چنین روشی با سرعت بیشتری و به شکلی نظام یافته اجرا شود. در صورت ادامه اجرا، یک چنین روشی به آن منجر خواهد شد که من عمیقاً به آن اعتقاد دارم و آن این است که: «حکومتی بهترین است که اصلاً حکومت نکند.»

نقل از مقاله «نافرمانی مدنی»
هنری دیوید تورو (Henry David Thoreau)

نافرمانی مدنی از زمان پیدایش آمریکا، بخشی از تجربه سیاسی این کشور بوده است. ولی امروزه با فرارسیدن سده جدید، با زمینه‌ها، امکانات و واقعیات آن، با نوعی جدید و به مراتب پیشرفته‌تر از نافرمانی مدنی رو به رو هستیم که همانا نافرمانی مدنی الکترونیکی است. این آمیزه تکنولوژی کامپیوتر با اشکال به مراتب سنتی‌تر نافرمانی مدنی به سبک آمریکائی، انواع و ترکیب‌های نوینی از نافرمانی مدنی (Civil Disobedience) را خلق کرده است که بر پهنه رسانه‌های الکترونیک، شبکه‌های مجازی اینترنت و یا در فضای سایبرنتیک روی می‌دهند و یا در آستانه روی دادن‌اند.

مفهوم یا عنوان نافرمانی مدنی الکترونیک (Electronic Civil Disobedience) از کتابی با همین نام به عاریه گرفته شده است. این کتاب که در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسید اطلاعات پایه‌ای و بسیار مفیدی برای آغاز این بحث را فراهم کرده و نگاهی است به تجارب تاریخی این شکل از حرکات سیاسی در تاریخ آمریکا و پس از آن به پیشواز آینده می‌رود و کاربرد این روش را در اشکال جدید آن پیش‌بینی می‌کند. یک چیز مسلم است و آن این‌که ما واقعاً هنوز در نقطه آغاز درک ظرفیت‌های بالقوه کامپیوتر در تأثیرگذاری بر فعالیت‌های سیاسی هستیم. نکته دیگری که باز جای تردید ندارد این است که نافرمانی مدنی الکترونیک بخشی از این حرکت و جوشش خواهد بود که فعلاً در اعماق نهفته به نظر می‌آید.

حدود صد و پنجاه سال پیش در سال ۱۸۴۸، همان سالی که در اروپا مانیفیست کمونیست منتشر شد، یکی از سخنرانی‌های هنری دیوید تورو

روستائی و دور افتاده استفاده کردند. در همین سال‌ها اندیشه‌های هنری تورو توسط افرادی نظیر ادوارد آبی (Edward Abbey) حیاتی تازه یافت. او در تکمیل ایده‌های اولیه نافرمانی مدنی، متناسب با دستاوردهای دهه‌های اخیر، کتابی را انتشار داد. به نام «کنار رودخانه باهنری تورو» (Abbey, ۱۹۸۱). اقدامات و فعالیت‌های گروه‌های رادیکال دیگری مثل «تشدید اقدام» (Act Up)، حضور نافرمانی مدنی را در عرصه زندگی شهری آمریکا تداوم داد. این گروه با استفاده از روش‌های «شوک‌آور»، در اکثر موارد توانستند انعکاس خبر موضوعات پراکنده و مجزا را به رسانه‌های گروهی تحمیل کرده و به اقدامات خود پوشش رسانه‌ای وسیعی بدهند. آنها نافرمانی مدنی را با روشهایی اجرا می‌کردند که تبدیل می‌شد به موضوع سیاسی که راه فرار ندارد و از این طریق توانستند به خوبی روی اضطراری بودن بحران ایدز تأکید و تبلیغ کنند. و بالاخره نکته جالب توجه و تا حدی مضحک اینست که در سال‌های آخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، در آمریکا گروه‌های دست راستی نیز شروع کردند به استفاده از روش‌هایی نظیر ورود غیر قانونی به اماکن و یا ایجاد راه‌بندان، یعنی همان شیوه‌های رایج در نافرمانی مدنی. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌هایش اقدام گروه موسوم به «طرفدار حق حیات» (Pro-Life) در محاصره فیزیکی درمانگاه‌های مخصوص سقط جنین بود.

در آغاز دهه ۱۹۹۰، جنگ خلیج فارس یا اگر درست‌تر بگوئیم جنگی که آمریکا علیه عراق به راه انداخت، یکی دیگر از آن مقاطعی بود که نیروهای مخالف چه به شکل انفرادی و یا گروه‌های کوچک و چه در قالب نافرمانی مدنی توده‌ای، اعتراض خود را به این وضعیت ابراز کردند. در آخرین روزهای سال ۱۹۹۰، ۱۴ دانشجوی آمریکائی یکی از مراکز ثبت نام ارتش را در شهر سانفرانسیسکو به مدت چند ساعت اشغال کردند. و یا در نمونه دیگری، یک تشکل ائتلافی شامل گروه‌های مخالف جنگ، شروع کردند به بررسی و برنامه‌ریزی برای اشغال و یا مسدود کردن دروازه‌ها و درب‌های ورودی ساختمان‌های بزرگ و ورودی بزرگ - راه‌ها. و یا زمانی که ارتش آمریکا شروع کرد به ریختن بمب‌های موسوم به بمب هوشمند بروی شهر بغداد، هزاران نفر از مردم به نشانه اعتراض به خیابان‌های شهر سانفرانسیسکو ریختند.

با این مرور خلاصه بر تاریخ تجارب سیاسی آمریکا می‌شود دید که از حدود ۱۵۰ سال پیش، یعنی زمان انتشار مقاله «نافرمانی مدنی» نوشته هنری تورو، این روش به عنوان یک شکل از اقدام و ابراز مخالفت، توسط افراد یا گروه‌های کوچک و در مواردی توسط جمعیت وسیعی از مردم به کار گرفته شده است. در نیمه دوم قرن بیستم، تقریباً در تمامی دهه‌ها ما شاهد کاربست روش‌های مختلف نافرمانی مدنی بوده‌ایم. گاهی این روش موفقیت‌آمیز بوده و در مواردی هم شکست خورده است. با در نظر گرفتن این امر که واقعیت‌های عینی در جامعه آمریکا بعید است در آینده نزدیک دستخوش تغییرات بنیانی بشود، ما تقریباً با اطمینان زیاد می‌توانیم فرض را بر این بگذاریم که جنبش‌های اجتماعی رادیکال در اشکال گوناگون،

تاکتیکها و استراتژی‌های نافرمانی مدنی را در قرن بیست و یکم نیز به کار خواهند بست. اما در قرن جدید، اکثر ما شاهد و برخی از ما احتمالاً از طریق مشارکت مستقیم، تمایزات فاحشی را در فرم و منش نافرمانی مدنی در خواهیم یافت. اکنون امکانات ارتباطی در مقایسه با صد و پنجاه سال پیش، که به زحمت می‌شد از تلگراف استفاده کرد، و یا دهه‌ی ۱۹۶۰ که انعکاس جنبش ضد جنگ ویتنام بر صفحه تلویزیونها کار دشواری بود، تفاوت اساسی دارد. اکنون ما در عصر برخورداری از کامپیوترهای شخصی زندگی می‌کنیم. عصری که بر پایه استفاده از دستاوردهای تکنولوژی کامپیوتری، عصر اطلاعات و ارتباطات است.

همزمان با سیاسی شدن رخنه‌گران (Hackers) در شبکه‌های کامپیوتر از یک طرف و مسلح شدن فعالان سیاسی به تکنولوژی کامپیوتری از طرف دیگر، ما شاهد افزایش تعداد و گسترش دامنه اقدامات مستقیم بر پهنه رسانه‌های الکترونیک خواهیم بود. طبیعت این اقدامات که از این پس آن را «نما» (یعنی نافرمانی مدنی الکترونیک) می‌خوانیم، شباهت زیادی با روشهای سنتی دارد. کماکان از تاکتیک‌هایی مثل ورود بی‌اجازه به قلمروهای بیگانه و یا مسدود کردن راه‌ها استفاده خواهد شد اما اکثر این موارد در شکل الکترونیک به وقوع خواهند پیوست و بنابراین عرصه اصلی ظهور نافرمانی مدنی الکترونیک پهنه مجازی رسانه‌های الکترونیک خواهد بود.

در قرن بیست و یکم ما چپ‌گراها شاهد و یا حتی مشارکت جو و مبتکر تعداد رو به افزایشی از موارد بست نشینی مجازی در پهنه‌های شبکه کامپیوتری دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ خصوصی خواهیم بود که تردد اطلاعات در این پهنه‌ها برای استفاده به اصطلاح قانونی و مشروع را مختل خواهند کرد. همان‌طور که جنگ ویتنام و یا جنگ خلیج فارس باعث شد که هزاران نفر برای مختل کردن فعالیت روزمره کارکردهای جامعه به خیابانها بریزند و مانع بکارگیری ساختارهای اقتصادی و خدماتی توسط دولت شوند، در آینده نیز جنبش و حرکات مخالف با جنگ‌های مداخله‌گرانه با قطع و یا مختل کردن ارتباطات در شبکه‌های کامپیوتری مانع استفاده روتین دولت از این امکانات زیر ساختی نوین خواهند شد. همان‌طور که روش‌های مسالمت‌آمیز نافرمانی مدنی در گذشته، فعالیت نهادهای دولتی و شرکت‌های بزرگ را تعطیل و یا مختل می‌کرد، در آینده با هجوم نامه‌های الکترونیکی به سایت‌ها و شبکه‌های کامپیوتری دولت‌ها، می‌توان فعالیت آنها را مختل نمود. با توجه به رشد و توسعه پرشتاب تکنولوژی کامپیوتری، و با در نظر گرفتن رشد تجربه و دانش تکنیکی فعالان در عرصه نافرمانی مدنی الکترونیک، پیش بینی مختصات دقیق و جلوه‌های بروز این جنبش کار ساده‌ای نیست. اما شکی نیست که (نما) به یکی از عناصر مهم در شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی رادیکال و جدید در سال‌های آینده بدل خواهد شد. کمالینکه هم اکنون نیز موارد متعددی از بکارگیری عملی این روش و یا مباحثه در مورد آن وجود دارد. در عین حال شواهد محکمی هست که نشان می‌دهد دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ نیز در مورد خطرات بالقوه این جنبش در آینده، نگران‌اند و با هوشیاری عمل می‌کنند.

شاید یکی از بهترین راه‌ها برای دریافت چگونگی شکل‌گیری و ظهور فرضیه‌های مربوط به (نما) نگاهی باشد به آثار کوتاه متعدد «مجمع هنر انتقادی» (Critical Art Ensemble)، مجمع هنر انتقادی در سال ۱۹۹۴ اثری انتشار داد تحت عنوان «ناآرامی الکترونیکی»، و در سال ۱۹۹۶ مطلبی در دنباله آن منتشر کردند به نام در نافرمانی مدنی الکترونیکی». در هر دو این مطالب اساس استدلال این است که سرمایه‌داری در سالهای اخیر بشدت سیال، متحرک، کوچ‌نشین و الکترونیکی شده و بنابراین نیروهای مخالف آن نیز باید همین مسیر را در پیش گرفته و از یک چنین مختصاتی برخوردار شوند. این دیدگاه می‌گوید، ما به جای مسدود کردن راه‌های ورودی یک ساختمان مهم، باید به فکر این باشیم که چگونه می‌توانیم همین بست‌نشینان، سد معبرها و یا اشغال‌ها را به شکل الکترونیک و دیجیتال انجام دهیم.

مجمع هنر انتقادی کار پایه‌گذاری یک زبان ویژه برای توسعه و تکمیل فرضیه‌های مربوط به (نما) را آغاز کرد ولی مهم‌تر از آن، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی‌شان در این زمینه بود که: آشکال سنتی و قدیمی‌تر نافرمانی مدنی دیگر مثل گذشته کارایی ندارند. آنها معتقدند که خیابانهای شهرها، حتی شهرهای بزرگ دیگر به پرسه‌گاه ارواح سرمایه‌داری بدل شده‌اند و برای مقابله مؤثر با سرمایه در شکل پر تحرک و الکترونیکی آن، نیروهای مخالف و معترض باید نقاطی را مد نظر دهند که سرمایه بیش از هر جای دیگر در آنها تمرکز پیدا کرده است یعنی پهنة مجازی رسانه‌های الکترونیک و شبکه‌های کامپیوتر. البته به اعتقاد من بخش دوم از این استدلال یعنی تمرکز عمده سرمایه‌داری در شبکه‌های کامپیوتر کاملاً درست است. ولی بخش اول آن یعنی بی‌استفاده بودن ادامه مبارزه در خیابان‌ها جای بحث دارد. به عنوان مثال هرگز نمی‌توان نمونه‌های تظاهرات خیابانی را که به سقوط اتحاد شوروی و یا فروپاشی دیوار برلین منجر شد منکر شد. این موارد در واقع تاکیدهایی هستند بر این منطق که در آینده ما فقط و فقط شاهد بروز (نما) نخواهیم بود. آن‌چه که محتمل‌تر است آمیزه‌ای از تاکتیک‌های سنتی و جدید و گاه آشکال کاملاً ناشناخته‌ای که محصول همین ترکیب خواهند بود که در آنها اقدام در خیابان‌ها با اقدام در پهنة‌های مجازی در هم می‌آمیزد.

ریشه‌ها یا پیش‌زمینه‌های کار نظری مجمع هنر انتقادی، بخصوص نظریه مربوط به سیال شدن مقاومت در برابر سرمایه را می‌توان در یکی از مقالات حکیم بی (Hakim Bey)، دید که تحت عنوان «قلمرو خود مختار موقت، آنارشسیسم (هستی‌شناسانه)، تروریسم شاعرانه» (T.A.Z. The Temporary Autonomos Zone, Ontological Anarchy, Peotic Terrorism) و در سال ۱۹۹۱ چاپ شده است. خود حکیم بی نیز ایده سیال بودن سرمایه را از کتابی با عنوان «یک هزار سرزمین» (A Thousand Plateaus) عاریه گرفته که در سال ۱۹۸۷ به قلم فلیکس گواتاری (Felix Guattari) و جیل دلوز (Gilles Deleuze) چاپ شد. تأثیرات کتاب یک هزار سرزمین و بخصوص یکی از گفتارهای آن، تحت عنوان: «رساله درباره کوچ‌شناسی و ماشین

جنگ» (Treatise on Nomadology and The War Machine) را به خوبی می‌توان روی ادبیات مجمع هنر انتقادی دید. شخصاً توصیه می‌کنم کسانی که می‌خواهند (نما) را مطالعه کرده و یا در آن فعال شوند، تمامی آثار و منابعی را که به آنها اشاره شد، مورد مطالعه قرار دهند.

گذشته از بررسی نظریه‌های مربوط به (نما)، در سال‌های اخیر ما شاهد تجربیات عملی در این زمینه نیز بوده‌ایم. یکی از عرصه‌های فعال به کارگیری «نما» جنبش جهانی طرفدار زاپاتیست‌هاست که از اول ژانویه ۱۹۹۴ میلادی و با قیام زاپاتیست‌ها در چیپاپاس (Chiapas) مکزیک آغاز شد. از همان ابتدای مطرح شدن ارتش رهایی ملی زاپاتیست‌ها (EZLN) در صحنه سیاست جهانی، ارتباطات کامپیوتری روی شبکه اینترنت، و در آغاز در همان شکل اولیه‌اش یعنی استفاده از پست الکترونیکی تبدیل شد به یکی از عناصر مهم در موجودیت و فعالیت این جنبش و مبارزه بین‌المللی حامیان آن علیه نئولیبرالیسم و برای حقوق انسانی. هر سال که از آن تاریخ می‌گذرد، کیفیت و پیچیدگی کار با کامپیوتر نیز ارتقاء پیدا کرده است. فعالیتی که در آن سال‌ها به شکل مخایره و توزیع تبلیغات و ارتباطات EZLN شروع شد و غالباً شکل ساده‌پست الکترونیکی داشت، به مرور به یک شبکه از سایت‌های متصل و پیشرفته روی شبکه اینترنت ارتقاء پیدا کرده است. با نگاهی به این مجموعه می‌توان گفت که روند ارتقاء کیفی این جنبشی، به غیر از عنصر و خصیصه کوچ‌گری (Nomadic)، مختصات دیگری نیز داشته که عبارتند از: حرکت اطلاعات از طریق این شبکه‌های سایبرنتیک متفاوت مقاومت که حرکتی است نظیر حرکت ساقه‌های رونده (Rhizomatic)، بشکل افقی، غیر خطی و زیرزمینی.

ساقه‌های رونده (Rhizome) کلمه‌ای است که از فرهنگ باغبانی عاریه گرفته شده و برای توصیف انواع خاصی از ساقه‌های زیرزمینی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ریشه‌های آن به شکل افقی اما درست زیر سطح زمین رشد می‌کند. این کلمه در عالم سیاست به عنوان یک صفت برای توضیح روش توزیع، گستراندن و پراکندن اطلاعات در مورد زاپاتیست‌ها روی شبکه اینترنت به کار برده می‌شود. از این روش به جای عمل کردن از کانال ساختارهای تحت یک رهبری مرکزی، که در آن اطلاعات با عبور از صافی‌هایی از بالا به پائین و در مسیرهای کاملاً موازی و خطی منتقل می‌شود، که دقیقاً شیوه کار شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی است، اطلاعات مربوط به زاپاتیست‌ها روی شبکه اینترنت از یک گره یا حلقه به گرهی دیگر، به شکل افقی غیر خطی و ناموازی منتقل می‌شود.

بخش زیادی از اطلاعات، اعلامیه‌ها و اعلام موجودیت‌ها در عرصه (نما) به همین شیوه رونده (Rhizomatic) طرح شده‌اند. به عنوان مثال به نحوه کار گروهی اشاره می‌کنیم موسوم به «ائتلاف دیجیتال بی‌نام و نشان» (Anonymous Digital Coalition) که در ایتالیا پا گرفت و شروع فعالیت آن همزمان بود با گسترش فعالیت‌های اینترنتی حول جنبش زاپاتیست‌ها و بخصوص واقعه کشتار جمعی در چیپاپاس (Chiapas) مکزیک در دسامبر سال ۱۹۹۷. گروه معروف به «ائتلاف دیجیتال بی‌نام و نشان»، در آن زمان

با ارسال تعداد وسیعی پست الکترونیکی در سراسر جهان از دریافت کنندگان پیام می‌خواست که سایت‌ها و شبکه‌های کامپیوتری پنج مؤسسه مالی مستقر در شهر مکزیکوستی را مورد حمله قرار دهند. هدف آنها از این نقشه این بود که هزاران نفر همزمان و یا بطور مستمر با ارسال اطلاعات زائد به شکل پیام‌های الکترونیکی، شبکه کامپیوتر و سایت‌های این مراکز مالی را از کار بیاندازند و به این ترتیب فعالیت روزانه و به اصطلاح قانونی و مشروع این مؤسسات مختل شود. تنها سندی که من در مورد موفقیت این تاکتیک در دست دارم اینست که یک نفر به من اطلاع داده که در همان مقطع هر چقدر تلاش کرده نتوانسته از روش‌های مرسوم و از طریق آدرس‌های متعارف و اعلام شده به سایت‌های این پنج مؤسسه مالی، متصل شود. یکی دیگر از مثال‌های استفاده از این روش همین اواخر (یعنی اوایل سال ۱۹۹۸) اتفاق افتاده است. در شرایطی که به نظر می‌رسید دولت آمریکا در نظر دارد بار دیگر یک کارزار حملات هوایی علیه عراق را شروع کند، خبری در سطح رسانه‌های گروهی سراسری آمریکا انتشار یافت مبنی بر اینکه وزارت دفاع آمریکا اذعان کرده است که موارد رخنه و تلاش برای نفوذ در شبکه و سایت‌های کامپیوتر پنتاگون یک‌باره افزایش یافته است. این‌که اعلام یک چنین خبری، انعکاس واقعیت است و یا خیالات و جو سازی‌های خود پنتاگون، بحث دیگری است. موضوع این است که این فعالیت‌ها روی شبکه اینترنت که با هدف ضربه زدن به نهادهای و ادارات دولتی صورت می‌گیرد، خود یک عرصه بالقوه دیگر از فعالیت معترضان است که ما در آینده شاهد گسترش روزافزون آن بوده و یا شخصاً در آن مشارکت خواهیم کرد. همان‌طور که قاعده‌تاً هم باید انتظار آن را داشته باشیم، دولت‌ها کار تدارکاتی و آمادگی برای مقابله با (نما) در آینده را از هم اکنون، و حتی از سال‌ها قبل، شروع کرده‌اند. از سال ۱۹۹۳، بارها از سوی «راند» (RAND - مؤسسه پژوهش و توسعه) در مورد ناگزیر بودن جنگ در شبکه اینترنت هشدار داده می‌شد. به فاصله کوتاهی پس از آن، نیروهای مسلح آمریکا نگرانی در مورد جنگ اطلاعاتی را عنوان کردند، در سال ۱۹۹۶ نشریه Nation مقاله‌ای را چاپ کرد در توضیح گزارشی که توسط «نیروهای عملیات ویژه» وزارت دفاع آمریکا تهیه شده بود و در آن توصیه‌ها و روش‌هایی برای مقابله و یا مهار جنگ اطلاعاتی مورد بحث قرار گرفته بود.

ولی همان‌طور که در گذشته تلاش‌های دولت‌ها برای پیشگیری از مشارکت مردم در نافرمانی‌های مدنی عقیم مانده و یا حداقل همواره به نتیجه نرسیده‌اند، مسلماً این بار هم هر چقدر دولت‌ها بخواهند با گستراندن تورهایی بیشتر جلوی فعالیت مخالفان در شبکه‌های کامپیوتری را بگیرند باز حفره‌ها و روزنه‌هایی برای مداخله و مقابله پیدا خواهد شد. یکی از اولیه‌ترین روش‌ها که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته گسیل سرسام‌آور پیام‌های الکترونیکی از آدرس‌های ناشناخته به سمت سایت‌ها و شبکه‌های کامپیوتری است که می‌توانند در هر مقطعی هدف تهاجم مخالفان قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری: با وجودی که ممکن است این حقیقتی اجتناب‌ناپذیر باشد که روش‌های نافرمانی مدنی و جنبش در خیابان‌ها دیگر تأثیر گذشته را ندارد و در آینده جنبش مقاومت و اعتراضی باید سیال باشد و الکترونیکی و

لاجرم در پهنه شبکه‌های کامپیوتری متمرکز شود، اما بعید است که اقدامات فیزیکی همراه با مشارکت واقعی مردم در خیابان‌ها، در آینده نزدیک محو شود. حالت محتمل‌تر اینست که (نما) به عنوان یکی از عناصر مهم و یا تکمیل کننده نافرمانی‌های مدنی، به شکلی وسیع یا به عرصه بگذارد. در آینده نزدیک ما شاهد بکارگیری روش‌ها و تاکتیک‌های پیوندی خواهیم بود که آمیزه‌ای است از روش‌های سنتی و الکترونیکی و در آن همان مردم عادی از پشت کامپیوترهای خود در اتاق نشیمن یا محل کارشان در نافرمانی مدنی الکترونیکی مشارکت خواهند ورزید و همزمان و پیوسته با آن به خیابان‌ها آمده و در اقدامات عملی و مستقیم نیز شرکت خواهند کرد.

در حالی که ما به بررسی جنبش مقاومت در ایالات متحده آمریکا و پیش‌بینی در مورد گسترش اقدامات اعتراضی در شبکه‌های کامپیوتر می‌پردازیم، نباید فراموش کرد که نافرمانی مدنی یک بخش مهم رشد سیاسی و تحولات در این کشور بوده است. اما اکنون ما بر سر یک دوراهی جدید قرار داریم، دوراهی‌ای که در آن اشکال قدیمی‌تر مقاومت و اعتراض در حال تغییر شکل دادن هستند. توجه به تاریخ و راه طی شده تا این مقطع ضروری است ولی در عین حال باید کاملاً هوشیار باشیم. فعالیت سیاسی ما به شکل چشمگیر و فاحشی در حال تحول است و قرن بیست و یک دوران ظهور نافرمانی مدنی الکترونیکی است.

* این نوشته مقاله‌ای تحقیقی است که نویسنده برای ارائه به کنفرانس دانشگاهیان سوسیالیست تهیه کرده است. این کنفرانس در ماه مارس ۱۹۹۸ در شهر نیویورک برگزار شده است.

** استغافری در زمان نوشتن این مقاله دانشجوی دکترا در رشته فرهنگ و علوم ارتباطات دانشگاه نیویورک بود. موضوع تزهای دکترای او ارتباطات اینترنتی جنبش‌های توده‌ای در سطح بین‌المللی بود. برای تماس با او می‌توانید از این نشانی استفاده کنید: (sjw210@is8.nyu.edu)

منابع:

- Abbey, Edward. 1991. Down The River. New York: Plume.
- Arquilla, John and David Ronfeldt. 1993. "Cyberwar is Comparative Strategy 12: 141-65.
- Bey, Hakim. 1991. T.A.Z. The Temporary Autonomous Zone, Ontological Anarchy, Poetic Terrorism. Brooklyn, NY: Autonomedia.
- Corn, David. 1996. "Pentagon Trolls the Net." The Nation, 4 March.
- Critical Art Ensemble. 1994 The Electronic Disturbance. Brooklyn, NY: Autonomedia.
- Critical Art Ensemble. 1996. Electronic Civil Disobedience and Other Unpopular Ideas. Brooklyn, NY: Autonomedia.
- Deleuze, Gilles and Felix Guattari. 1987. A Thousand Plateaus. Capitalism and Schizophrenia. Trans. by Brain Massumi. Minneapolis: The University of Minnesota Press.
- Thoreau, Henry David. 1968. The varioroum Walden and the varioroum Civil disobedience. New York: Washington Square Press.
- Zinn, Howard. 1995. A People's History of the United States. 1492-Present. New York: Harper Perennial.